

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

مناطق حیاتی حاور میانہ

تألیف:
دکتر قدیر نصری

انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه السلام)
تهران: بزرگراه شهید چمران،
پل مدیریت
تلفکس: ۸۸۳۷۰۱۴۲
صندوق پستی ۱۵۹-۱۴۶۵۵
E-mail: isu.press@yahoo.com
فروشگاه اینترنتی:
www.ketabsadiq.ir



دانشگاه امام صادق

مناطق حیاتی خاورمیانه ■ تألیف: دکتر قدیر نصری ■ ناشر: دانشگاه امام صادق (ع) ■ چاپ اول: ۱۳۹۳
قیمت: ۱۴۵۰۰۰ ریال ■ شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه ■ چاپ و صحافی: زلال کوثر ■ شابک: ۹۷۸-۶۰-۲۱۴-۳۹۴-۵

همه حقوق محفوظ و متعلق به ناشر است.

سرشناسه: نصری، قدیر، ۱۳۵۰ -
عنوان و نام پدیدآور: مناطق حیاتی خاورمیانه / تألیف قدیر نصری
مشخصات نشر: تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری: ۳۶۴ ص.
فروست: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)؛ ۶۰۰ سیاست؛ ۶۳
شابک: ۱۴۵۰۰۰ ریال : ۵-۲۱۴-۳۹۴-۹۷۸-۶۰-۲۱۴-۳۹۴-۵
موضوع: خاورمیانه - جنبه‌های استراتژیکی
موضوع: خاورمیانه - تاریخ
موضوع: خاورمیانه - سیاست و حکومت
موضوع: خلیج فارس، منطقه - جنبه‌های استراتژیکی
شناسه افزوده: دانشگاه امام صادق (ع)
رده بندی کنگره: ۱۳۹۳ م ۸ / کن UA ۳۲
رده بندی دیویی: ۳۵۵/۰۳۳۰۵۶
شماره کتابشناسی ملی: ۳۵۲۹۰۹۱

فهرست مطالب

سخن ناشر	۱۱
پیش‌گفتار	۱۳
فصل ۱. تعریف، معنا و مؤلفه‌های مناطق حیاتی	۱۵
۱-۱. معنا و مشخصه‌های مناطق حیاتی	۱۵
۲-۱. روش پژوهش	۱۶
۳-۱. پیشینه بحث	۱۷
۴-۱. تعریف مناطق حیاتی	۱۹
۵-۱. در عبارت «منطقه حیاتی»، دقیقاً به چه چیزی نظر داریم؟	۱۹
۱-۵-۱. منطقه حیاتی، حاوی منابع طبیعی حیاتی است	۲۱
۲-۵-۱. منطقه حیاتی، وارث و حامل نمادها و مناسبات هویت بخش است.	۲۱
۳-۵-۱. مناطق حیاتی، گذرگاه منابع طبیعی حیاتی و مایحتاج عمومی هستند	۲۳
۴-۵-۱. مناطق حیاتی، نگرش حکومت‌ها و نخبگان را شکل می‌دهند و نه برعکس ..	۲۴
۵-۵-۱. منطقه حیاتی، عواید اقتصادی دارد	۲۴
۶-۵-۱. منطقه حیاتی، باعث هژمونی نظامی و بازدارندگی استراتژیک می‌شود.	۲۵
۷-۵-۱. منطقه حیاتی با فن‌آوری و سیاست مبتنی بر آن ربط وثیقی دارد.	۲۶
۸-۵-۱. خاورمیانه خوشه تمرکز مناطق حیاتی است.	۲۷
فصل ۲. استانبول: مرز مواجهه دو تمدن، دو قاره و دو امپراطوری	۲۹
۱-۲. مقدمه	۲۹
۲-۲. هویت دیرپای استانبول	۳۱

- ۲-۲-۱. استانبول در دوره باستان: بیزانتینیوم ۳۲
- ۲-۲-۲. استانبول به عنوان پایتخت امپراطوری روم شرقی: قسطنطنیه ۳۲
- ۲-۲-۳. فتح قسطنطنیه به دست ترکان: اسلامبول به جای قسطنطنیه ۳۳
- ۲-۳. استانبول؛ پایتخت تجارت، خدمات و سیاحت در غرب آسیا ۳۶
- ۲-۴. زیر ساخت‌های حیاتی توسعه در استانبول ۴۰
- ۲-۵. اقلیم کم‌نظیر و آمایش مناسب جمعیت ۴۳
- ۲-۶. تنوع اماکن تاریخی معنابخش ۴۴
- ۲-۷. استانبول: کانون تراکم جمعیت، ثروت و تجارت ۴۷
- فصل ۳. کانال سوئز: آبراهی مخلوق بشر و پیوندگاه سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا ۵۱**
- ۳-۱. مقدمه ۵۱
- ۳-۲. مردان مؤثر در تاریخ کانال سوئز: نکوی دوم، داریوش هخامنشی، فردیناند دولسپس، و جمال عبدالناصر ۵۲
- ۳-۳. ظهور جمال عبدالناصر و ملی شدن کانال سوئز ۵۸
- ۳-۴. جایگاه و موقعیت استراتژیک کانال سوئز ۶۰
- ۳-۵. کانال سوئز و جنگ‌های اعراب و اسرائیل ۶۳
- ۳-۶. کانال سوئز و اقتصاد مصر ۶۸
- ۳-۷. کانال سوئز و پرستیژ سیاسی مصر ۷۲
- ۳-۸. اعتبار کانال سوئز و تحولات نوپدید ۷۴
- ۳-۸-۱. فن‌آوری‌های جدید و تولید منابع جدید انرژی ۷۵
- ۳-۸-۲. ظهور کانون جدید قدرت در شرق آسیا ۷۶
- ۳-۸-۳. پدیده تروریسم نوین و پراکندگی تروریست‌ها در مناطق گوناگون ۷۶
- ۳-۸-۴. تغییر رژیم و پدیداری دولت‌های فرومانده در حوالی مناطق حیاتی ۷۷
- فصل ۴. کرکوک: استمرار و تشدید منازعه بر سر هویت، ثروت و قدرت ۷۹**
- ۴-۱. مقدمه ۷۹
- ۴-۲. چرا کرکوک، یک منطقه حیاتی در خاورمیانه است؟ ۸۰
- ۴-۳. الگویی برای فهم موقعیت حیاتی کرکوک ۸۴
- ۴-۳-۱. موقعیت ژئواکونومیک ۸۵

فهرست مطالب ۷

۹۰	۲-۳-۴. رهبری خردمندان نخبگان کردی
۹۷	۳-۳-۴. موقعیت حقوقی
۱۰۴	۴-۳-۴. تعداد، ترکیب و کانون‌های تراکم جمعیت
۱۱۰	۵-۳-۴. تعداد کشورهای دخیل و سطح توافق - تعارض منافع آنها
۱۱۵	۴-۴. هواداران وضعیت ویژه و کرکوک به مثابه شهری چند فرهنگی
۱۱۷	۵-۴. پیشینه هویت‌خواهی
۱۲۱	۶-۴. آینده کرکوک
۱۲۶	یادداشت‌ها
۱۳۱	پیوست
۱۷۵	فصل ۵. بیت‌المقدس: شهر به مثابه وجدان ادیان
۱۷۵	۱-۵. مقدمه
۱۷۶	۲-۵. معنا و پیشینه اورشلیم
۱۷۹	۳-۵. موقعیت و جایگاه جغرافیایی بیت‌المقدس
۱۸۰	۱-۳-۵. قدس قدیمی
۱۸۰	۲-۳-۵. قدس عربی قبل از ۱۹۶۷
۱۸۱	۳-۳-۵. قدس غربی
۱۸۱	۴-۳-۵. قدس یکپارچه
۱۸۱	۵-۳-۵. قدس گسترش یافته
۱۸۳	۴-۵. بناهای مقدس قدس
۱۸۴	۱-۴-۵. مسجد الصخره
۱۸۶	۲-۴-۵. مسجد الاقصی یا قبه الصخره
۱۸۷	۳-۴-۵. هیکل سلیمان
۱۸۹	۴-۴-۵. کلیسای قیامت
۱۹۱	۵-۵. جایگاه قدس در وجدان دینی یهودیان
۱۹۴	۶-۵. جایگاه قدس در وجدان دینی مسیحیان
۱۹۶	۷-۵. جایگاه بیت‌المقدس در وجدان مسلمانان
۲۰۵	۸-۵. یهودی‌سازی قدس و مکانیزم‌های آن
۲۰۶	۱-۸-۵. نابود و یهودی‌سازی بناهای دینی مسلمانان

- ۲۰۷..... ۲-۸-۵. عبری کردن اسامی اماکن و مناطق قدس
- ۲۰۸..... ۳-۸-۵. یهودی سازی فرهنگ و آموزش
- ۲۰۹..... ۴-۸-۵. تصاحب و تخریب منازل و مزارع مسلمانان قدس
- ۲۱۱..... ۵-۸-۵. دیوار حائل
- ۲۱۲..... ۶-۸-۵. استمرار شهرک سازی و پروژه استیطان
- ۲۱۲..... ۹-۵. تحکیم ثبات در جامعه چندپاره اسرائیل
- ۲۱۵..... ۱۰-۵. افزایش عمق استراتژیک مناطق یهودی نشین
- ۲۱۸..... ۱۱-۵. طرح شهرک سازی در قلب سرزمین های اشغالی
- ۲۱۸..... ۱-۱۱-۵. طرح کریات اربع
- ۲۱۹..... ۲-۱۱-۵. شهرک گفعات هداگانه و گفعات هتمار
- ۲۱۹..... ۳-۱۱-۵. شهرک ارئیل
- ۲۱۹..... ۴-۱۱-۵. طرح ای یک
- ۲۱۹..... ۵-۱۱-۵. بیتار عیلیل
- فصل ۶. دویی: پیروزی مدرنیت بر سنت، تجلی شهری در قامت کشور..... ۲۲۱**
- ۲۲۱..... ۱-۶. مقدمه
- ۲۲۳..... ۲-۶. جغرافیا و تاریخ دویی
- ۲۲۵..... ۳-۶. سه فراز دوران ساز در حیات اداری - تجاری دویی
- ۲۲۶..... ۱-۳-۶. فراز یکم: ورود آلفونسو آلبو کورک پرتغالی به دویی در سال ۱۵۰۶.....
- ۲۲۶..... ۲-۳-۶. فراز دوم: استیلای ۱۵۰ ساله بریتانیا بر دویی
- ۲۲۶..... ۳-۳-۶. فراز سوم: افول امپراطوری بریتانیا و تولد امارات متحده عربی در دسامبر ۱۹۷۱.....
- ۲۲۹..... ۴-۶. دویی در مسیر حیاتی شدن: ریشه ها و شیوه ها
- ۲۳۰..... ۵-۶. ریشه های رونق تجاری در دویی
- ۲۳۴..... ۶-۶. شیوه های رونق تجاری در دویی
- ۲۳۴..... ۱-۶-۶. واگذاری زمین به شرط آبادسازی
- ۲۳۵..... ۲-۶-۶. مدیریت مستقیم و اجتناب از بوروکراسی
- ۲۳۵..... ۳-۶-۶. احداث پروژه های بی نظیر و جهانی: جزایر مصنوعی چهارگانه
- ۲۳۷..... ۴-۶-۶. برپایی اقتصاد پسانفتی

فهرست مطالب ۹

۲۳۹.....	۶-۵. تبدیل دویی به پایتخت مالی جهان
۲۴۰.....	۶-۶-۶. سرمایه‌گذاری در تولید و تجارت محصولی ویژه: الماس
۲۴۱.....	۶-۶-۷. صدور جواز مالکیت مستغلات برای خارجی‌ها
۲۴۵.....	فصل ۷. منطقه حیاتی جولان: تقارن ژئواستراتژی، هیدروپلیتیک و پرستیژ ملی
۲۴۵.....	۷-۱. مقدمه
۲۴۶.....	۷-۲. موقعیت و اهمیت جولان
۲۴۷.....	۷-۳. عوامل حیاتی‌کننده جولان
۲۴۷.....	۷-۳-۱. جولان به مثابه آواکس ثابت
۲۵۰.....	۷-۳-۲. جولان به مثابه منبع و سفره عظیم آب شرب
۲۵۶.....	۷-۳-۳. جولان به مثابه خانه مهاجرین
۲۶۱.....	۷-۳-۴. جولان به مثابه نماد و یادگار تجاوز سرزمینی
۲۶۷.....	۷-۴. آینده جولان و سناریوهای پیش‌رو
۲۷۱.....	۷-۴-۱. سناریوی یکم: عقب‌نشینی اسرائیل به مرزهای ۴ ژوئن ۱۹۶۷
۲۷۲.....	۷-۴-۲. سناریوی دوم. الحاق رسمی جولان به خاک اسرائیل
۲۷۴.....	۷-۴-۳. سناریوی سوم. استرداد جولان در قبال صلح پایدار با اسرائیل
۲۷۴.....	۷-۴-۴. سناریوی چهارم. تداوم تنش و تثبیت سیطره اسرائیل بر جولان
۲۷۷.....	پیوست
۲۹۱.....	فصل ۸. تنگه هرمز: گرانیگاه انرژی - استراتژیک آسیا
۲۹۱.....	۸-۱. مقدمه
۲۹۲.....	۸-۲. موقعیت تعیین‌کننده یا استراتژیک تنگه هرمز
۳۰۰.....	۸-۳. دلایل حیاتی شدن تنگه هرمز
۳۰۱.....	۸-۳-۱. تنگه هرمز به مثابه کریدور دفاع دریایی - زمینی از تمامیت ارضی ایران
۳۰۳.....	۸-۳-۲. رویارویی ایدئولوژیک بین اسلام شیعی و اسلام سعودی
۳۰۳.....	۸-۳-۳. ملاحظات استراتژیک و دخیل بودن قدرت‌های متعدد در امور کشورهای حاشیه خلیج فارس
۳۰۶.....	۸-۳-۴. اختلافات مرزی پرتعداد بین کشورهای منطقه خلیج فارس
۳۱۰.....	۸-۴. موانع حیاتی ماندن تنگه هرمز
۳۱۰.....	۸-۴-۱. پیشرفت‌های تکنولوژیک و ظهور دکترین ضربه برق‌آسا و پیشدستانه

۳۱۲.....	۲-۴-۸. خط لوله‌های جایگزین و تغییر الگوی متداول صادرات و واردات
۳۱۶.....	۳-۴-۸. توقف رشد و کاهش سهم نفت در سبد انرژی جهان
۳۱۸.....	۴-۴-۸. اکتشافات مربوط به نفت و گاز شیل در ایالات متحده
۳۱۹.....	۵-۴-۸. رونق انرژی‌های نو و تجدیدپذیر
۳۲۰.....	۵-۴-۸. افول گفتمان تهدید و برآمدن مفهوم سرمایه اجتماعی بین‌المللی
۳۲۳.....	نتیجه‌گیری
۳۲۷.....	منابع و مآخذ
۳۳۹.....	نقشه‌ها
۳۴۵.....	نمایه

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»
وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ
(قرآن کریم، سوره مبارکه النمل، آیه شریفه ۱۵)

سخن ناشر

فلسفه وجودی دانشگاه امام صادق علیه السلام که از سوی ریاست دانشگاه به کرات مورد توجه قرار گرفته، تربیت نیروی انسانی‌ای متعهد، باتقوا و کارآمد در عرصه عمل و نظر است تا از این طریق دانشگاه بتواند نقش اساسی خود را در سطح راهبردی به انجام رساند.

از این حیث «تربیت» را می‌توان مقوله‌ای محوری یاد نمود که وظایف و کارویژه‌های دانشگاه، در چارچوب آن معنا می‌یابد؛ زیرا که «علم» بدون «تزکیه» بیش از آنکه ابزاری در مسیر تعالی و اصلاح امور جامعه باشد، عاملی مشکل‌ساز خواهد بود که سازمان و هویت جامعه را متأثر و دگرگون می‌سازد. از سوی دیگر «سیاست‌ها» تابع اصول و مبادی علمی هستند و نمی‌توان منکر این تجربه تاریخی شد که استواری و کارآمدی سیاست‌ها در گرو انجام پژوهش‌های علمی و بهرمندی از نتایج آنهاست. از این منظر پیشگامان عرصه علم و پژوهش، راهبران اصلی جریان‌های فکری و اجرایی به حساب می‌آیند و نمی‌توان آینده درخشانی را بدون توانایی‌های علمی - پژوهشی رقم زد و سخن از «مرجعیت علمی» در واقع پاسخ‌گویی به این نیاز بنیادین است.

دانشگاه امام صادق علیه السلام در واقع یک الگوی عملی برای تحقق ایده دانشگاه اسلامی در شرایط جهان معاصر است. الگویی که هم اکنون ثمرات نیکوی آن در فضای ملی و بین‌المللی قابل مشاهده است. طبعاً آنچه حاصل آمده محصول نیت خالصانه و جهاد علمی مستمر مجموعه بنیانگذاران و دانش‌آموختگان این نهاد است که امید می‌رود با اتکاء به تأییدات الهی و تلاش همه‌جانبه اساتید، دانشجویان و مدیران دانشگاه، بتواند به مرجعی تمام عیار در گستره جهانی تبدیل گردد.

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام با توجه به شرایط، امکانات و نیازمندی جامعه در مقطع کنونی با طرحی جامع نسبت به معرفی دستاوردهای پژوهشی دانشگاه، ارزیابی سازمانی - کارکردی آن‌ها و بالاخره تحلیل شرایط آتی اقدام نموده که نتایج این پژوهش‌ها در قالب کتاب، گزارش، نشریات علمی و... تقدیم علاقه‌مندان می‌گردد. هدف از این اقدام - ضمن قدردانی از تلاش خالصانه تمام کسانی که با آرمان و اندیشه‌ای بزرگ و ادعایی اندک در این راه گام نهادند - درک کاستی‌ها و اصلاح آنها است تا از این طریق زمینه پرورش نسل جوان و علاقه‌مند به طی این طریق نیز فراهم گردد؛ هدفی بزرگ که در نهایت مرجعیت **مکتب علمی امام صادق علیه السلام** را در گستره بین‌المللی به همراه خواهد داشت. (انشاءالله)

ولله الحمد

معاونت پژوهشی دانشگاه

پیش‌گفتار

منطقه خاورمیانه را می‌توان عرصه رخداد/استراتژیک (قیام مردم علیه نظام متکی به حمایت خارجی)،/بتکار/استراتژیک (نظام متکی بر مردم علیه قدرت خارجی) و /انطباق‌تدریجی (امتیاز نظام به مردم و قدرت‌های خارجی) نامید. نگاهی به تحولات خاورمیانه در ربع قرن منتهی به سال ۲۰۱۴ نشان می‌دهد که شتاب و عمق دگرگونی در این منطقه بی‌نظیر بوده است. طی همین ربع قرن (۲۰۱۴ - ۱۹۹۰)، آتش چهار جنگ بین کشوری شعله‌ور شد (جنگ ۱۹۹۱، ۲۰۰۳، ۲۰۰۶، ۲۰۰۸). در پنج کشور عراق، تونس، مصر، لیبی و یمن، حکومت حاکم سرنگون و دهها جنگ قومی - مذهبی در کشورهای لبنان، سوریه، ترکیه، عراق و مصر برپا گردید. تعداد، مدت و شدت این تحولات حاکی از وجود و سخت‌جانی یک قاعده است و آن اینکه خاورمیانه همواره در کمند خطر (آسیب‌پذیری داخلی به اضافه تهدید خارجی) است و اصطلاحاتی چون کودتا، شورش، تجزیه‌طلبی، حمله خارجی، توسعه‌طلبی ارضی و جنگ مذهبی در این منطقه هنوز کاربرد دارند و زنده‌اند.

دفتر حاضر، به‌عنوان نخستین جلد از مجموعه «سیاست و حکومت در خاورمیانه»، به شناسایی کانون‌های تراکم تنش در این منطقه از جهان پرداخته و به‌عنوان منبعی برای فهم مناطق استراتژیک خاورمیانه پیشنهاد

می‌شود. ایده اولیه کتاب در سال ۱۳۷۶ در ذهن من نقش بست. در آن هنگام و در روزنامه سلام بود که مقاله‌ای با عنوان «هشت منطقه حساس دنیا» را مطالعه کردم و این نکته که شش منطقه از هشت منطقه حساس دنیا در منطقه خاورمیانه قرار دارد، برای من قابل تأمل بود. از آن سال تاکنون حدود ۱۵ سال گذشت و من همچنان کم و بیش با مباحث مربوط به سیاست و حکومت در خاورمیانه در ارتباط بودم که بالاخره در سال ۱۳۸۹ با آقای دکتر اصغر افتخاری ایده «مناطق حیاتی خاورمیانه» را مطرح نمودم و ایشان با سعه صدر از انجام چنین پروژه‌ای استقبال نمود. مجال را مغتنم می‌شمارم و رویه‌ی علمی دکتر افتخاری - معاون وقت پژوهشی دانشگاه امام صادق(ع) - و همکاران گرامی ایشان در آن معاونت را تحسین می‌کنم. همچنین آقای هادی عباس‌زاده با جمع‌آوری برخی اسناد و منابع از کتابخانه وزارت امور خارجه و کتابخانه مجلس شورای اسلامی یاری‌ام کردند که بدین وسیله از ایشان تشکر می‌نمایم. یکی از بهترین خاطرات دوران تدوین اثر، آشنایی‌ام با توان علمی و روحیه استوار آقای محمد عبادی‌فر (جادری) است. ایشان در تهیه منابع، اسناد و نقشه‌های مربوط به استانبول و کانال سوئز به یاری‌ام شتافتند. از اینکه استعدادهایی این چنین در کشورم در حاشیه هستند عمیقاً متأسف هستم. از دانشجویان پرسش‌گر و نکته‌سنج دانشگاه خوارزمی (به‌ویژه ورودی ۱۳۸۷) که در خلال کارگاه‌ها و نشست‌های تخصصی، نکته‌های ظریفی را مطرح نمودند سپاسگزارم. باید به‌صورتی ویژه باید از دوست و همسرم، پروین و دخترم یسنا تمجید کنم که این سطور، عصاره اوقاتی است که از جوانی و کودکی آن دو ربوده‌ام.

قدیر نصری

آذرماه ۱۳۹۲



تعریف، معنا و مؤلفه‌های مناطق حیاتی

۱-۱. معنا و مشخصه‌های مناطق حیاتی

مناطق حیاتی (Vital Regions) به محدوده‌ای اطلاق می‌شود که به لحاظ مادی (مانند منابع طبیعی گرانبها و کمیاب) یا فرامادی (نظیر میراث دینی - مذهبی) و یا هر دو، به ساکنانش حیات می‌بخشد، به گونه‌ای که بدون آن منابع مادی و فرامادی، ساکنان این مناطق بسیار عادی دیده می‌شوند. همچنین تسلط دیگران بر این مناطق یا پیدایش بدیلی بر آنها، به صورت مستقیم بر منفعت و هویت ساکنان آنها تأثیر می‌گذارد. با این توضیح، پرسش اصلی کتاب حاضر این است که مشخصه‌های مناطق حیاتی کدامند و چه مناطقی در خاورمیانه واجد اهمیت و اعتباری حیاتی هستند. پرداختن به این پرسش حداقل به دو دلیل ضرورت دارد؛ اولاً نگاهی به تنش‌ها و رویارویی‌های ملل خاورمیانه طی شصت سال پس از جنگ جهانی دوم، نشان می‌دهد که عمده این تنش و تعارض‌ها با هدف سیطره بر مناطق خاصی از خاورمیانه بوده است. به‌عنوان مثال شهرهای بیت‌المقدس و کرکوک همواره محل نزاع بوده‌اند و سیاست‌های گوناگونی برای سیطره بر این مناطق اعمال گردیده است. ثانیاً بعضاً گفته می‌شود که با رشد جهانی شدن و پدیداری دهکده جهانی، مناطق حیاتی پیشین، اهمیت سنتی خود را از دست داده‌اند و به مدد فن‌آوری، بسیاری از مفاهیم سنتی مانند زمین، موقعیت جغرافیایی، فاصله،

اقلیم و منابع طبیعی اهمیت تعیین‌کننده‌ای ندارند. مطابق این دیدگاه، موضوعی مانند عمق یا موقعیت استراتژیک، امروزه بی‌معنا شده و با ابداع فن‌آوری‌های نوین و پدیداری پیوندهای جدید اقتصادی، سیاسی و حقوقی در جهان، شاهد بافت شبکه‌ای و نه سلسله‌مراتبی قدرت‌های جهانی هستیم. اما ادعای این پژوهش آن است که اولاً مناطق حیاتی همچنان کانون تنش و رویارویی هستند و سیطره بر این مناطق، در قلب راهبردهای نیروهای داخلی و بین‌المللی قرار دارد، ثانیاً دستیابی به دانش‌ها و تکنیک‌های نوین، نافی اهمیت حیاتی (طبیعی- فرهنگی) این مناطق حیاتی نمی‌باشد. حتی می‌توان ادعای دیگر و گستاخانه‌ای هم طرح و از اعتبار آن دفاع کرد؛ بدین مضمون که فشار جهانی شدن، موجب آگاهی گروهی و مرزگذاری‌های تمدنی، دینی، مذهبی و قومی و نهایتاً باعث برجستگی عنصر هویت در حیات سیاسی ملل گردیده است و فشار این تراکم در مناطق حیاتی بیشتر احساس می‌شود.

۱-۲. روش پژوهش

داده‌ها و قراین مربوط به مناطق حیاتی، به سه شیوه جمع‌آوری شده است: نگارنده به بعضی از این مناطق حیاتی سفر کرده و با مشاهده مستقیم و تجربه مشاهدتی، اسناد و مطالبی را به صورت متن، سند، فیلم و عکس تهیه نموده است. علاوه بر آن، در باب اهمیت و حساسیت مناطقی چون کرکوک، بیت‌المقدس، استانبول و تنگه هرمز با برخی محققان و متخصصان این حوزه‌ها، گفتگوی عمیق و مکاتبه علمی داشته و از دیدگاه همه آنها برای آزمون فرضیه خود بهره گرفته است. بالاخره، مطالعه مطالب منتشر شده در قالب کتب، مقالات، اسناد، گزارش‌ها و آمارهای رسمی، سومین شیوه جمع‌آوری داده‌های پژوهش پیش‌رو بوده است. اما برای تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده از شیوه تبیینی و عمده‌تاً تحلیلی بهره گرفته‌ام. طبق این روش، پس از تبیین ابعاد و ماهیت یک مبحث، به کالبدشکافی (تحلیل)

موضوع پرداخته و در نهایت به تخمین دلالت‌ها یا پیامدهای آن تحلیل مبادرت کرده‌ایم. به‌عنوان مثال در مبحث جولان، کرکوک یا بیت‌المقدس پس از تبیین اهمیت موضوع و ترتیبات سیاسی موجود، با توضیح یا تشریح ریشه‌های پدیداری بحران و نهایتاً با تخمین روندهای محتمل بحث را پی‌گرفته‌ایم.

۳-۱. پیشینه بحث

تمرکز بر ماهیت و ابعاد مناطق حیاتی خاورمیانه و جایگاه آن در کشمکش‌های درون‌کشوری و منطقه‌ای و بین‌المللی، مبحث تازه‌ای است. با جستجوی عبارت "Vital Region" یا "Strategic Region" و عبارت‌های مشابه در شبکه جهانی اینترنت، حتی یک مقاله هم یافت نشد (پنجم اسفند ۱۳۹۱). اما به گزارش‌ها و پژوهش‌های مشابهی می‌توان اشاره نمود که اشارتی به موضوع و معنای مناطق حیاتی داشته‌اند. یکی از این آثار، کتاب دوجلدی «مناطق استراتژیک خاورمیانه» است که در سال ۱۳۸۳ به همت پژوهشکده مطالعات راهبردی منتشر شده است. این اثر مفصل به توصیف خاورمیانه و تاریخ و جغرافیای کلی آن پرداخته است. همانگونه که از عنوان آن اثر پیداست نگارنده به مناطق استراتژیک یعنی مناطقی که در هنگامه نبردها، موقعیت و وزن ویژه‌ای داشته‌اند پرداخته و از بحث روی مقولات دیگری چون نزاع هویتی (در بیت‌المقدس یا کرکوک) و ترکیب سخت‌افزاری و نرم‌افزاری منازعات، اجتناب کرده است. پژوهش دیگری که حدود ۲۰ ساله پیش (۱۳۷۱) با عنوان «کانون‌های بحران در خلیج فارس» (جعفری ولدانی، ۱۳۷۱) منتشر شده عمدتاً به خطوط نزاع و تاریخچه اختلافات ارضی - مرزی پرداخته و از شرح عناصر نرم‌افزاری به‌خصوص در داخل کشورها دوری جسته است. در کتاب مزبور، ریشه‌های تاریخی اختلاف بین کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس و نیز ایران با امارات متحده عربی و عراق به تفصیل بررسی شده، لیکن سایر مناطق حیاتی خاورمیانه (مانند غزه، کانال سوئز و تنگه بسفر و داردانل و شهر

استانبول) مورد بررسی واقع نشده‌اند.

در کنار دو کتاب مزبور مقالات و گزارش‌هایی هم هستند که با بخشی از مطالب این پژوهش مناسبتی دارند. به‌عنوان مثال در سال ۲۰۱۰ سایت ویکی‌لیکس گزارشی با عنوان «استقرار نیروهای آمریکا در ۱۸ منطقه حیاتی دنیا» منتشر کرد. از دید این گزارش، جهان دارای ۱۸ منطقه حساس و حیاتی است و بقای آمریکا منوط به حضور یا هژمونی آمریکا در آن مناطق است. به‌عنوان مثال مناطقی چون پایانه صدور نفت خارک در خلیج فارس، تاسیسات ارتباط ماهواره‌ای واقع در بریتانیا، اتصالات خطوط گاز نادیم در غرب سبیری (به‌عنوان حساس‌ترین تاسیسات گازی جهان)، کارخانه‌های داروسازی و تهیه فرآورده‌های خونی (اروپا) یا مجتمع صنعتی تولید انسولین در دانمارک، نقاط حساس و حیاتی برای آمریکا نامیده شده‌اند و تهیه‌کنندگان گزارش (سال ۲۰۰۹) از ایالات متحده خواسته‌اند از امنیت این مناطق مراقبت ویژه‌ای به‌عمل آورد. در گزارش مشابهی به نقل از لئون پانتا (وزیر دفاع آمریکا در کابینه اول اوباما) در گفتگو با نشریه فارین پالیسی تصریح شده است که آمریکا باید مناطق حساس خاورمیانه را شناسایی و نسبت به صیانت و حفاظت منافع خود در مناطق حساسی چون مصر، لیبی، سودان و عربستان سعودی مبادرت نماید. در کنار گزارش فوق باید به مقاله مندرج در شماره بهار ۱۹۸۸ ماهنامه فارین افیرز اشاره کرد که در بحثی با عنوان «راهبرد آمریکا در کشورهای حساس خاورمیانه» ضرورت استقرار نیروهای آمریکایی در خلیج فارس، مدیترانه، اقیانوس هند، آمریکای لاتین، مصر و اوراسیا پرداخته و توصیه می‌کند که آمریکا باید با ارتش‌های واقع در حومه این مناطق، روابط ویژه داشته باشد.

همانگونه که دیده می‌شود هیچ یک از منابع فوق به صورت تخصصی و حرفه‌ای به تعریف مناطق حیاتی و مشخصه‌های مفهومی و ملموس آن نپرداخته و مهمتر از آن تحولات سیاسی در مناطق حیاتی‌ای چون بیت‌المقدس یا کرکوک را توضیح نداده است.

۴-۱. تعریف مناطق حیاتی

برای فهم مضمون و مصداق مناطق حیاتی، معمولاً مناطق زمینی و دریایی جهان به سه دسته حیاتی مهم و عادی تقسیم می‌شود. براساس این تقسیم‌بندی، منطقه حیاتی منطقه‌ای است که تحولات داخلی آن یا تحركات یک قدرت رقیب در آن منطقه، امنیت و هستی بازیگر رقیب را تحت تأثیر شدید قرار می‌دهد. ملاک حیاتی بودن یا حیاتی دیدن یک منطقه این است که بازیگر ذینفع بتواند با تملک یا کنترل آن منطقه بر قدرت و اعتبار خود بیفزاید و با از دست دادن تملک یا کنترل آن منطقه، ارزش‌های حیاتی (نظیر تمامیت ارضی، حکومت سیاسی یا انسجام اجتماعی) خود را در معرض خطر ببیند. به‌عنوان نمونه، تنگه هرمز برای ایران و جمیع کشورهای خلیج فارس و قدرت‌های مهم مصرف‌کننده نفت، منطقه‌ای حیاتی است چون اختلال در آن می‌تواند روی منفعت متعارف یا هویت این بازیگران مؤثر باشد. به‌عنوان مثال دیگر شهر بیت‌المقدس و تحولات اجتماعی-فرهنگی آن برای مسلمانان اهمیت حیاتی دارد برای اینکه اشغال تدریجی این شهر یا یهودی‌سازی آن، ارزش‌های حیاتی (مثلاً انسجام اجتماعی) مسلمانان و عرب‌ها را در معرض مخاطره قرار می‌دهد. شهرهای کرکوک، استانبول و مناطق جولان و کانال سوئز نیز چنین اهمیتی دارند.

۵-۱. در عبارت «منطقه حیاتی»، دقیقاً به چه چیزی نظر داریم؟

یکی از ابهامات احتمالی در مطالعه این اثر، معیارهای تمایز منطقه حیاتی از مناطق دیگر می‌تواند بود. به عبارت دیگر، ممکن است خواننده این کتاب مناطق دیگری را هم حیاتی ببیند و یا منطقه‌ای را که ما آن را حیاتی دیده‌ایم، حیاتی نشمارد. برای رفع بخش مهمی از این ابهام، باید تصریح کنیم که منطقه حیاتی از حیث ساختاری و کارکردی، ویژه است و سایر مناطق از این دو ویژگی محرومند و یا بهره اندکی دارند. ساختار فیزیکی، موقعیت استقرار جغرافیایی، کارکرد اقتصادی و هویت‌بخشی به ساکنان یک منطقه از

جمله مؤلفه‌های اصلی هستند که یک منطقه را حیاتی می‌کنند یعنی ادامه حیات سیاسی و اقتصادی ساکنان یک کشور به تداوم آن ساختار و کارکرد پیوند خورده است. به‌عنوان مثال، حیاتی بودن و حیاتی ماندن کشور - شهر دویی به ادامه موقعیت تجاری آن بستگی دارد. یا تنگه هرمز تا زمانی حیاتی است که مسیر انتقال نفت و کالا باشد و دروازه ورود به مناطقی مهم باشد براساس تعریف فوق می‌توان مشخصه‌هایی برای مناطق حیاتی برشمرد. بر این مبنا می‌توان گفت که منطقه همان منطقه مهم یا حساس نیست. منطقه مهم به منطقه‌ای گفته می‌شود که تحولات عادی آن یا تحرکات برنامه‌دار (عمدی) در آن، فقط به صورت مقطعی عایدات مادی یا پرستیژ متعارف یک یا دو بازیگر را متاثر می‌سازد. به‌عنوان مثال، دریای عمان در مقایسه با خلیج فارس یا شهر آنکارا در قیاس با شهر استانبول و نیز شهر بغداد در مقایسه با کرکوک، صرفاً مهم هستند و نه حیاتی. همانگونه که اشاره شد هر بازیگری (مانند گروه اجتماعی یا دولت ملت) پاره‌ای ارزش‌های حیاتی دارد که مناطق حیاتی، نگرهبان آن ارزش‌ها یا نماد آنها هستند و به محض وقوع خطر در این مناطق (حیاتی)، موجودیت فیزیکی یا هویت معنوی آن بازیگر مخدوش و حتی نابود می‌شود. منطقه حیاتی با منطقه حساس نیز تمایزهایی دارد. در حالی که منطقه حساس به صورت برون‌زاد، اهمیت دارد، منطقه حیاتی به صورت درون‌زاد اهمیت دارد و این اهمیت محصول یک روند طولانی آهنگ تاریخی یا تصمیم مهم دیرپاست. از این رو جایگیر شدن یک ارزش هویت‌آفرین و نیز اساسی و تعیین‌کننده شدن یک عایدی در حیات ساکنان یک منطقه، از پیش شرط‌های کلیدی یک منطقه حیاتی به شمار می‌رود. با تداوم این روال یعنی با ادامه روند هویت‌سازی و کارآفرینی، حیات روزمره بخش مهمی از جمعیت جهان به معنابخشی و کارآفرینی آن منطقه پیوند می‌یابد و نوعی اتصال نهادین بین آن منطقه و ساکنان آنها پدید می‌آید، در چنین وضعیتی، شاهد حیاتی شدن یک منطقه هستیم. با مرور هشت مشخصه مناطق حیاتی، بهتر می‌توان معنا و تمایزهای آن را باز شناخت.

۱-۵-۱. منطقه حیاتی، حاوی منابع طبیعی حیاتی است

آشناترین و معمولی‌ترین مشخصه یک منطقه حیاتی این است که آن منطقه حاوی منابع طبیعی حیاتی است. منبع طبیعی حیاتی به موادی گفته می‌شود که اولاً کمیاب است ثانیاً در زندگی متعارف (اعم از صنعتی و رفاهی) کشورها، نقش اساسی دارد و بالاخره اینکه آن ماده بدیل مقرون به صرفه‌ای ندارد. موادی مانند نفت، گاز طبیعی، آب شیرین، فلزات گرانبها و اورانیوم با خلوص بالا، در عداد منابع طبیعی‌اند. اما ماده‌ای مانند نمک و نیکل به دلیل اینکه کمیاب نبوده و سهم و وزن تعیین‌کننده‌ای در حیات اقتصادی ملت‌ها و مجتمع‌های صنعتی ندارند، حیاتی به‌شمار نمی‌آیند. گفتنی است مناطق حیاتی، حاوی منابع طبیعی انبوه هستند و صرف وجود منبع طبیعی اندک یا غیراقتصادی یک منطقه را حیاتی نمی‌کند. بر این اساس منطقه بصره که بیش از ۵۰ میلیارد بشکه نفت دارد و هزینه استخراج نفت در آن پنج الی ۶ دلار است در مقایسه با منطقه آلاسکا که نفت اندکی دارد و نفت استخراجی از آن کیفیت پایینی داشته و به قیمت گزافی استخراج می‌شود حیاتی است. به‌عنوان نمونه دیگر منطقه خوزستان ایران در قیاس با منطقه‌ای چون سیستان و بلوچستان حیاتی است. استان خوزستان با وسعتی حدود ۶۸ هزار کیلومتر مربع (به اندازه کشور گرجستان) قادر است به لحاظ کشاورزی حدود ۲۰۰ میلیون نفر را تغذیه کند و ۶۰ درصد منابع نفتی ایران را در خود جای داده است. بدیهی است با وقوع خطر اعم از نزاع داخلی یا حمله خارجی، موجودیت فیزیکی کل کشور ایران و ارزش‌های اساسی آن نظیر تمامیت ارضی یا انسجام اجتماعی شدیداً متأثر می‌شود.

۱-۵-۲. منطقه حیاتی، وارث و حامل نمادها و مناسبات هویت‌بخش است.

دومین مشخصه مناطق حیاتی این است که این مناطق بناها و تأسیسات و ساختارهایی دارند که یادآور ماجراهای (عمدتاً دینی، مذهبی و تمدنی) و تحولات شورآفرین و بسیج‌کننده‌اند. به‌عنوان مثال اینکه محل معراج

پیامبر (ﷺ)، قبه الصخره بوده یا بیت المقدس اولین قبله مسلمانان بوده یا شهر مکه، سالانه میلیون‌ها مسلمان و مؤمن به ارزش‌های توحیدی را میزبانی می‌کند، خصوصیات عادی نیستند بلکه به حیات امروزی انبوهی از مسلمانان معنا می‌بخشند. در حال حاضر در قسمت غربی (اروپایی) شهر استانبول (قسطنطنیه سابق که به دستور کنستانتین به‌عنوان مقر امپراطوری روم شرقی به شهر نمادها تبدیل گردید)، روایت‌گر انبوهی از حوادث تاریخی و منازعات پرشمار بین مسلمانان و مسیحیان بوده و به همین خاطر دولت ترکیه هرگونه حفاری و ساخت و ساز در این منطقه را ممنوع کرده است. به باور باستان‌شناسان، هر کدام از کوچه و برزن‌های غرب استانبول نماد یک خاطره شورآفرین و تأمل‌برانگیز است که با ساخت و ساز انبوه به فاصله اندکی به خاک سپرده می‌شوند. همانگونه در بخش مربوط به منطقه حیاتی استانبول آورده‌ایم، شهر استانبول به شهر مساجد پرشمار (حدود ۲۵۰۰ مسجد که ۱۰۰۰ باب از آنها در حال حاضر بازسازی و به آخرین تأسیسات معماری دینی تجهیز شده است) اشتها یافته و با گنبد‌های مدادی خود، وجود و سرزندگی یک هویت و تاریخ را روایت می‌کند. اینکه در منطقه توپ کاپی این شهر، کلیساهایی تبدیل به مسجد شده یا تمثال‌هایی از بزرگان شیعه و سنی در آنها نصب گردیده از خاطرات و پیشینه‌ای عبرت‌آموز حکایت دارند و برای هر نظاره‌گری (اعم از مسیحی و مسلمان و شیعه و سنی) ارزشمند هستند. این قبیل ارزش‌ها و میراث، هسته معنوی و وجه فرامادی زندگی امروزی را تشکیل می‌دهند به طوری که هرگونه تخریب یا تحقیر این نمادها، موجب عکس‌العمل معتقدان و دوستداران آن نمادها می‌شود.

سخن آخر اینکه، هویت دراز آهنگ و دیرپا خود عنصر یا مؤلفه مهمی برای بقا و بالندگی است. ملل کهنی که هویت دیرپایی دارند معمولاً در هویت‌های دیگر هضم نمی‌شوند یا بازیگران مهاجم قادر به حذف آنها نیستند. به گفته باری بوزان در کتاب «مناطق و قدرت‌ها: ساختار امنیت بین‌الملل»، هویت دیرپا از مؤلفه‌های کلیدی امنیت ملی کشورهاست

تعریف، معنا و مؤلفه‌های مناطق حیاتی □ ۲۳

همانگونه که هویت نوپدید باعث آسیب‌پذیری بازیگرانی است که اخیراً قدم به عرصه وجود نهاده‌اند (بوزان، ۱۳۸۶).

۱-۵-۳. مناطق حیاتی، گذرگاه منابع طبیعی حیاتی و مایحتاج عمومی هستند. بعضی مناطق به دلیل ساخت و موقعیت جغرافیایی به‌گونه‌ای هستند که به قدرت‌های همجوار خود، چیرگی می‌بخشند. عموماً تنگه‌های دریایی که دو قطب تولید و مصرف منابع طبیعی حیاتی را به هم وصل می‌کنند یا کریدورهای زمینی که سبب تسهیل ارتباط بین دو قطب جمعیتی می‌شوند، فی‌نفسه اهمیت دارند. اگر این اهمیت به اندازه‌ای باشد که دو قطب مزبور (تولید - مصرف‌کننده) را در مخاطره قرار دهد، آن منطقه حیاتی می‌شود. به‌عنوان مثال تنگه هرمز که گذرگاه روزانه ۱۸ میلیون بشکه نفت و معبر بیش از یک تریلیون دلار کالا در سال است، منطقه‌ای حیاتی است و به قدرت‌های همجوار آن (به‌ویژه ایران در صفحات شمالی تنگه هرمز) توان مانور مضاعفی می‌بخشد. همچنین کانال سوئز در مصر، معبر صدها کشتی عظیم نفتی و غیرنفتی است. این تنگه‌ها در کنار عواید اقتصادی از لحاظ هژمونی امنیتی هم اهمیت دارند، هرچند با تعمیق وابستگی متقابل و غیراقتصادی بودن جنگ، توسل به تهدیداتی چون مسدودسازی تنگه‌های استراتژیک یا کریدورهای زمینی، عملاً ناممکن شده است اما قابلیت‌های بازدارندگی این مناطق را نمی‌توان انکار کرد. ناامن شدن یک گذرگاه استراتژیک از طریق کاشت مین‌های متحرک و کنترل از راه دور یا بروز ناامنی به دست قاچاقچیان و دزدان دریایی، موجب نگرانی تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان مواد طبیعی حیاتی و محصولات استراتژیک می‌شود. نکته قابل توجه این است که بسیاری از این مناطق حیاتی در محدوده جهان اسلام و به‌ویژه منطقه خاورمیانه واقع شده‌اند.

۱-۵-۴. مناطق حیاتی، نگرش حکومت‌ها و نخبگان را شکل می‌دهند و

نه برعکس

اگر عوامل تعیین‌کننده امنیت ملی و ثبات استراتژیک کشورها را به دو دسته ثابت (مانند تنوع جمعیت) و متغیر (مانند برداشت نخبگان حاکم) تقسیم کنیم، آنگاه گفته می‌شود هر کشوری وارث دو دسته عوامل پایدار و متغیر است که ترکیب آنها، تعیین‌گر ماهیت و آهنگ حرکت آن کشور است. در این میان، مناطق حیاتی از عوامل ثابت و لایتغیری هستند که نگرش و جهت‌گیری نخبگان حاکم را شکل می‌دهند. تاکنون هیچ سیاستمداری نگفته است که بیت‌المقدس، اهمیتی برای مسلمانان یا یهودیان ندارد و می‌توان آن را با شهر و نمادهای دیگری جایگزین کرد. همچنین هیچ قدرتی موفق نشده است اهمیت راهبردی تنگه هرمز یا سوئز و بسفر را منکر شود و یا شهر استانبول و مکه را شهری عادی با کارکردی متعارف قلمداد نماید. با تحول اصل حکومت‌ها و نیز با دگرذیسی برداشت‌های آنها درخصوص مسائل گوناگون، اعتبار مناطق حیاتی همچنان ثابت است. شهر کرکوک و ترکیب جمعیتی آن، هم در دوران حکومت بعثی‌ها مهم بود و هم پس از سقوط صدام حسین اهمیت حیاتی دارد. منطقه خلیج فارس و معادلات امنیتی آن هم برای حکومت پهلوی دوم اهمیت حیاتی داشت و هم از نگاه مقامات جمهوری اسلامی حیاتی است. از این‌رو می‌توان گفت که منطقه حیاتی به صورت طبیعی شکل گرفته و یا در مدت زمان مدیدی جایگیر شده است و به همین خاطر سیاستمداران و نخبگان نمی‌توانند این اهمیت و اعتبار تاریخی - اقتصادی را نادیده بگیرند.

۱-۵-۵. منطقه حیاتی، عواید اقتصادی دارد

مناطق حیاتی چه از نوع جغرافیایی (مانند تنگه هرمز) و چه از نوع هویتی (مانند بیت‌المقدس) و یا تجاری (مانند دویبی و استانبول) به خاطر جلب توجه سرمایه‌گذاران و نیز پدیده اکوتوریسم یا اقتصاد مبتنی بر جهانگردی،

موجب رونق اقتصادی می‌شوند و عایدات قابل توجهی هم نصیب کشور می‌کنند. به‌عنوان مثال دولت مصر، سالانه بیش از پنج میلیارد دلار از محل کانال سوئز، حق ترانزیت کسب می‌کند (سپتامبر ۲۰۱۳). یا درآمد توریستی ترکیه - با محوریت شهر استانبول - بیش از ۲۳ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۳ بوده است. همچنین کشور عراق و نیز عربستان سعودی همه ساله پذیرای میلیونها زائر دینی / مذهبی هستند. درآمد سالیانه عربستان سعودی از محل حج و سفر ۴/۵ میلیون زائر به این کشور، بیش از ۱۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۲ بوده و کشور عراق روزانه میزبان ۵۰/۰۰۰ زائر ایرانی است که به قصد زیارت عتبات عالیات روانه شهرهای مذهبی این کشور می‌شوند. پدیده تجارت و صادرات مجدد کالا، شهر دویی را به یک کشور - شهر تبدیل نموده است و اقتصاد دویی با اقتصاد بسیاری از کشورهای جهان سوم برابری می‌کند. این کشور - شهر در سال ۲۰۰۹، بزرگترین شریک تجاری ایران بود و اکنون یکی از کانون‌های جذب سرمایه بین‌المللی و جهانگردان جهان و منطقه است.

۱-۵-۶. منطقه حیاتی، باعث هژمونی نظامی و بازدارندگی استراتژیک

می‌شود

کشورهایی که در جوار مناطق استراتژیک واقع شده‌اند، کنترل قاطعی بر مناطق حیاتی همجوار خود دارند و این امر سبب تردید رقبا و احیاناً پشیمانی آنها در اقدام خصمانه می‌شود. این نکته اساساً در مورد مناطق حیاتی ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک صادق است. به هر حال جغرافیا به هويت، تاریخ، سرشت، توسعه و تصمیمات دولت‌ها شکل بخشیده و انتخاب سیاسی بازیگران را شدیداً متأثر می‌سازد. بازیگران خردمند معمولاً این فرصت طبیعی را به قدرتی عملی و مؤثر بدل می‌کنند. اما برخی بازیگران هم اصطلاحاً «اسیر اعتبار» خود می‌شوند و با درک نادرست از منطق و مناطق، قدرت از حوادث پیش‌رو لطمه می‌بینند. از این جهت دو کشور

عراق در خاورمیانه و لهستان در اروپا قابل توجه هستند. موقعیت اقتصادی و ژئوپلیتیک جذاب عراق طی ربع قرن‌ها که بعضی‌ها زمام قدرت را در دست داشتند به ثبات و توسعه این کشور منتهی نشد، برای اینکه نخبگان سیاسی حاکم بر این کشور موفق نشدند منطق قدرت و مناطق تراکم آن را درک نمایند. تجاوز به ایران (سال ۱۹۸۰) و سپس کویت (۱۹۹۰) و سیاست مخالف‌کشی در داخل عراق همه و همه، اعتبار ژئواستراتژیک عراق را به یک تله و ضعف این کشور تبدیل کردند. نمونه مخالف عراق که تا حدی از موقعیت حیاتی خود استفاده مناسبی کرده ایران و ترکیه است که ضمن حفظ ارزش‌های ملی به بازیگر مؤثری در امور خاورمیانه تبدیل شده‌اند. بخش قابل توجهی از تدابیر و تحرکات ترکیه و نیز ایران در منطقه و جهان، مولود موقعیت حیاتی این دو کشور است. منابع غنی حیاتی (آب در ترکیه و نفت و گاز در ایران) عمق استراتژیک مناسب، جمعیت پرتعداد و هویت دیرپا از مؤلفه‌هایی هستند که این دو قدرت را از گزند حوادث تا حدودی مصون داشته‌اند. مقامات ترکیه طی دهه‌های اخیر موفق شده‌اند این کشور را به معبر مؤثر انرژی آسیا به اروپا تبدیل نمایند. بخشی از این سیاست‌ها مرسوم برخورداری ترکیه از مناطق حیاتی (مانند شهر الهام‌بخش استانبول و تنگه بوزدارنده بسفر یا تاریخ و هویت اسلامی مستقل) است.

۱-۵-۷. منطقه حیاتی با فن‌آوری و سیاست مبتنی بر آن (E.politics) ربط

وثیقی دارد.

در پی جهانی شدن، بسیاری از امور دنیا در حوزه‌های تجارت، مسافرت، مهاجرت و نیز با پیشرفت حیرت‌انگیز فن‌آوری در دو حوزه نظامی و اقتصادی، وزن و کارآمدی مناطق حیاتی متحول شده است. مناطق حیاتی به‌خصوص قسم سخت‌افزاری آن، به یمن پیشرفت فن‌آوری تا حدی اهمیت خود را از دست داده‌اند. با دسترسی همه قدرت‌ها به ابزارهای بازدارنده و اجبارآمیز و نیز با در هم تنیدگی اقتصادهای جهان، مقابله و تهدیدهایی که با

توسل به مناطق حیاتی انجام می‌شوند نوعی بازی با حاصل جمع صفر است که در نتیجه آن، همه طرفین بازنده می‌شوند و مخاصمه و رویارویی‌ها شدید و شدیدتر می‌شود. به‌عنوان نمونه می‌توان به تنش‌هایی اشاره کرد که در سال ۲۰۱۱ بین ایران و قدرت‌های غربی بر سر پرونده هسته‌ای ایران شدت یافت. در پی گمانه‌زنی‌های کارشناسان در مورد احتمال حمله اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای ایران در نطنز و اراک، فرماندهان نظامی ایران با برگزاری مانورهای متعدد نظامی در نزدیکی تنگه هرمز، لوازم و الزامات مسدودسازی این تنگه استراتژیک و حیاتی را گوشزد کردند. از آنجا که روزانه حدود ۱۸ میلیون بشکه نفت از این تنگه عبور می‌کند و واردات نفت اروپا (حدود ۵۵ درصد)، چین و ژاپن (بیش از ۹۰ درصد) به امنیت این تنگه بستگی دارد، موجی از تشویش و نگرانی، مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان نفت و گاز را در بر گرفت. اما جمهوری اسلامی ایران، بدین نکته وقوف داشت که مسدود ساختن این تنگه جز در موارد بسیار اضطراری موجب هم‌سویی کشورهای مهم دنیا و منطقه علیه ایران شده و واردات و صادرات خود ایران را هم مختل می‌نماید. با شدت یافتن این تنش مقامات آمریکایی اعلام کردند که در صورت مسدود شدن این تنگه در عرض ۴۸ ساعت و طی عملیاتی برق‌آسا، نسبت به برقراری امنیت و گشودن این تنگه حیاتی مبادرت خواهند کرد. آنچه در این کشمکش‌ها، جدید می‌نماید این است که بازیگری به نام فن‌آوری، تصمیم به مسدودسازی یک تنگه یا اقدام برای بازگشایی آن را شدیداً پرمخاطره ساخته است و قبول این مخاطره جز در شرایط بسیار حاد، عقلانی نمی‌نماید.

۱-۵-۸ خاورمیانه خوشه تمرکز مناطق حیاتی است.

با فرض اینکه مناطق حیاتی به دو قسم سخت‌افزاری (مانند کانال سوئز) و نرم‌افزاری (مانند واتیکان یا بیت‌المقدس) تقسیم می‌شوند، می‌توان این گزاره را اثبات نمود که بسیاری از مناطق حیاتی دنیا در منطقه خاورمیانه قرار

دارند. مناطق بسیار مهمی چون کانال سوئز، باب‌المنذب، تنگه هرمز، جبل‌الطارق، بسفر، داردانل و جولان و همچنین شهرها و اماکن الهام‌بخشی چون مکه، مدینه، عتبات عالیات عراق، بیت‌المقدس، استانبول، کرکوک، در جوار یا داخل کشورهای اسلامی خاورمیانه قرار دارند. سه منطقه بصره، خوزستان و قوار (در شرق عربستان)، قریب به ۲۵۰ میلیارد بشکه یعنی ۱۰ برابر ایالات متحده نفت مرغوب دارند، یا شهر بیت‌المقدس، وجدان دینی ادیان مؤثری چون اسلام، یهودیت و مسیحیت را تشکیل می‌دهد. اگر اختلالی در امنیت کانال سوئز رخ دهد بسیاری از کشتی‌های عازم اروپا باید کل آفریقا را دور بزنند و از دماغه امیدنیک رهسپار اقیانوس اطلس شوند. همچنین با وقوع جنگ و رویارویی نظامی در خلیج فارس و تنگه هرمز، ضمن افزایش شدید قیمت جهانی انرژی، تولیدات صنعتی غرب افت شدیدی را تجربه خواهند کرد. به هر حال این واقعیت غیرقابل انکار است که ۶۸ درصد ذخایر نفت و قریب به نیمی از ذخایر گاز دنیا در منطقه خلیج فارس قرار دارد و اصلی‌ترین معبر انتقال این مواد حیاتی تنگه هرمز است.

در کنار موارد فوق باید به قابلیت انسجام و الهام‌بخشی شهرهای مقدس واقع در عربستان سعودی، عراق و ایران اشاره کرد. اینکه در اربعین سال ۲۰۰۹ هفت میلیون نفر به صورت سواره و پیاده عازم کربلا شدند یا شهر مقدس مشهد سالانه میزبان ۱۹/۵ میلیون زائر است و یا در حج تمتع ۲/۳ میلیون نفر عازم مکه و مدینه می‌شوند، فقط یک جمله می‌توان گفت و آن اینکه اماکن مزبور سهم والایی در معنا بخشیدن به زندگی میلیون‌ها مسلمان معتقد ایفا می‌کنند. این موارد در کنار مناطق سخت‌افزاری پیش گفته، خاورمیانه را به خوشه‌ای متشکل از مناطق حیاتی قابل توجه تبدیل کرده و شاید یکی از اصلی‌ترین دلایل بین‌المللی شدن خاورمیانه همین نکته باشد.

با توجه به تعریف و مشخصه‌های مناطق حیاتی، یکایک این مناطق و مسائل و ظرفیت‌های آنها را در ادامه این کتاب مورد واری قرار می‌دهیم.

استانبول: مرز مواجهه دو تمدن، دو قاره و دو امپراتوری

۲-۱. مقدمه

یکی از مناطق حیاتی خاورمیانه که از دیرباز موضوع نزاع بین تمدنی و کانون متراک ثروت و قدرت بوده است شهر قدیمی استانبول و دو تنگه همجوار آن یعنی بسفر و داردانل هستند. شهر کنونی استانبول توسط تنگه بسفر یا استانبول بغازی به دو قسمت اروپایی آسیایی تقسیم می‌شود. این تنگه ۳۰ کیلومتری دو دریای مهم سیاه و مرمره را به هم متصل می‌کند. پل بسفر که چهارمین پل معلق جهان (با ۱۵۰۰ متر طول و ۳۹ متر عرض)، است، از سال ۱۹۷۳ شرق استانبول را از فراز بسفر به غرب شهر متصل می‌کند. تنگه بسفر در باریک‌ترین نقطه ۷۰ متر و در عریض‌ترین نقطه ۳۵۰ متر است. از نکات قابل توجه در خصوص این تنگه یک جریان تند (۳/۵ کیلومتر در ساعت) در جهت دریای سیاه و جریانی مخالف در زیر سطح آب است. این وضعیت باعث می‌شود تا کشتی‌های غول‌پیکری که از اروپا به آسیا یا بالعکس در حرکتند، در ایستگاه‌های تنگه از ناخداهای ترکیه کمک بگیرند. عمده‌تأ این ملوان‌های ترک هستند که از جزئیات جریان آب در سطح و عمق آب تنگه اطلاعات دقیق دارند. همین موضوع طی قرون اخیر موجب تلفات پرشماری شده و از پی این حوادث اکنون دستورالعمل عبور از تنگه بسفر تهیه شده است. عمق ۵۰ متری و نیز تراکم کشتی‌های عبوری سنگین

(حداقل ۵۰ کشتی در روز) به اضافه جریان خطیر آب و کنترل کامل و یکپارچه ترکیه بر این آبراه حیاتی همگی دست به دست هم داده و صفحات غربی ترکیه را از اعتباری راهبردی برخوردار ساخته‌اند.

تنگه داردانل هم که دریای اژه را به دریای مرمره می‌پیوندد اهمیت نظامی، بازرگانی و سیاسی فوق‌العاده‌ای دارد. تنگه داردانل به طول ۶۵ کیلومتر، عمق ۸۲ متر و پهنای یک تا شش کیلومتر محل عبور نفت‌کش‌های سنگین، کشتی‌های کالابر و ناوگان نظامی است. این آبراه محل توجه سیاست‌مداران و استراتژیست‌های دنیا بوده، که آخرین مقطع رقابت و تنش بر سر آبراه‌های ترکیه مربوط به سال‌های جنگ سرد است. طی این دوران، ترکیه در سال ۱۹۵۲، به عضویت ناتو درآمد و ۳۲۰ کیلومتر از آب‌های استراتژیک منطقه در اختیار بلوک غرب قرار گرفت. الحاق ترکیه به بلوک غرب محدودیتی بازدارنده برای شوروی بود، برای اینکه تنگه‌های ترکیه تنها راه خروج برای کشتی‌های ناوگان دریای سیاه شوروی بوده‌اند. البته ناسازگاری جغرافیا با روسیه (شوروی) پیشینه‌ای مطول دارد. از آنجا که هیچ یک از چهار ناوگان شوروی (روسیه کنونی) به دریای آزاد راه ندارند، استراتژیست‌های روسیه به خوبی آگاه بوده‌اند که چهار ناوگان شمالی، بالتیک، خاور دور، و دریای سیاه، هیچ یک به دریای آزاد راه ندارند (درایسدل و بلیک، ۱۳۷۰: ۱۷۶) و آب‌های سرد و تنگه‌های کشورهای دیگر شعاع و ارتفاع پرواز دریایی روسیه را به شدت محدود می‌کنند.

دو تنگه استراتژیک بسفر و داردانل، در تار و پود شهر استانبول (یکی دیگر از نقاط حیاتی ترکیه) قرار گرفته‌اند. این سه (بسفر، داردانل و استانبول) صفحات غربی ترکیه را از حیث سخت‌افزاری و هویتی واجد ارزشی حیاتی کرده‌اند. آنچه در این فصل می‌خوانید مؤلفه‌های سخت و نرمی هستند که استانبول را به منطقه‌ای حیاتی در خاورمیانه بدل کرده‌اند.

۲-۲. هویت دیرپای استانبول

شهری که امروزه به استانبول مشهور است و از جمعیت ۷۶ میلیونی ترکیه (در سال ۲۰۱۳)، ۱۴ میلیون نفر را در خود جای داده، تاریخ پرفراز و فرودی دارد. این پیشینه درازآهنگ، شهر استانبول را واجد اهمیت و اعتبار استراتژیک ساخته است. از دید صاحب‌نظران سرشناس بررسی‌های امنیت، تبار کهن و پیشینه دیرینه، خود از مؤلفه‌های اساسی قدرت است، برای اینکه ملل کهن به راحتی زوال نمی‌یابند و الحاق یا حذف آنها توسط ملل دیگر ناممکن است (Buzan, 2003: 13). از این‌رو یکایک آثار موجود در کوچه‌ها و میادین استانبول، خود به خود به ثبات پایدار کشور ترکیه کمک می‌کند. آگاهی از تاریخ استانبول، مسئولیت شهروندان و دولت ترکیه در نگرانی از مرز و میراث موجود را دو چندان می‌کند. حتی می‌توان ادعا کرد که موتور محرکه ماشین ناسیونالیسم در ترکیه، گذشته حیرت‌انگیز امپراطوری عثمانی و کم و کیف مواجهه با آن با پیروان ادیان، مذاهب و اقوام گوناگون است.

تأمل در تاریخ ۲۷۰۰ ساله استانبول نشان می‌دهد که این شهر حوادث زیادی را از سر گذرانده است. در حال حاضر بخش قابل توجهی از غرب (قسمت اروپایی) شهر به‌عنوان اثر باستانی حفاظت می‌شود. نگارنده دلیل مخروبه ماندن این قسمت از شهر و ممنوعیت ساخت و ساز در حوالی استانبول را در سال ۱۳۹۱ از مسئولین محلی جویا شد و آنان تصریح کردند که در هر کوچه این محل حفاظت شده، در زیر زمین این حوالی حداقل ۱۰۰ اثر تاریخی جهانی موجود است که بخشی از آنها یادگار امپراطوری روم شرقی و بخشی نیز یادگار امپراطوری اسلامی است. مسئولان شهرداری استانبول سال‌ها تلاش کردند تا ایستگاه‌ها مترو را به بخش غربی استانبول گسترش دهند اما نهادها و سازمان‌های هوادار میراث فرهنگی همواره مقاومت نموده‌اند. تا این که شهرداری استانبول موفق شد باریکه‌ای را به‌عنوان خط مترو آناتولی غربی اختصاص دهد. به طور کلی سه بازه یا فراز مهم را می‌توان در تاریخ کهن استانبول از هم تفکیک نمود:

۲-۲-۱. استانبول در دوره باستان: بیزانتینیوم

در سال ۶۶۷ قبل از میلاد گروهی از یونانیان استانبول کنونی را بنا نهادند و به افتخار پادشاه خود بیزانس، نام شهر را **بیزانتینیوم** نهادند. شهر در این مقطع زمانی رونق چندانی نداشت و غرب اروپا در مقایسه با شرق این قاره رونق بیشتری داشت. در دوران جنگ‌های ایران و یونان، ایرانیان بیزانس را تصرف کردند و سیطره پارس بر بیزانس تا زمان سلطنت اردشیر باقی بود. در همین سال‌هاست که ایرانیان و یونانیان با همدیگر مواجه شدند و یونانیان تربیت و سلوک سلطنت در نزد هخامنشیان را مورد تحسین قرار می‌دهند. کتاب کوروپدیا یا تربیت کوروشی به قلم گزنفون متأثر از همین مواجهه است (شاور، ۱۳۷۰: ۱۳).

۲-۲-۲. استانبول به‌عنوان پایتخت امپراطوری روم شرقی: قسطنطنیه

ایرانیان در سال ۱۹۶ میلادی با یورش امپراطوری روم غربی، استانبول را ترک کردند. به گفته ویل دورانت در «عصر ایمان» (دورانت، ۱۳۷۸: جلد چهارم، ۸)، امپراطوری روم در استانبول به مدت هزار سال از موج حمله بربران که روم (ایتالیا) را فرا گرفت مصون ماند. گوت‌ها، هون‌ها، وندال‌ها، آوارها، ایرانیان، اعراب، بلغاریان و روس‌ها به نوبت استانبول (قسطنطین یا پایتخت جدید) را تهدید کردند، اما نتوانستند بر آن دست یابند. پس از آنکه استانبول یا قسطنطنیه پایتخت روم شرقی شد به غنی‌ترین، زیباترین و متمدن‌ترین شهر جهان تبدیل شد و تا یک هزار سال به همین سیاق باقی‌ماند. طی این سالیان متمدادی، فقط دو شهر دیگر (بغداد و قرطبه) بودند که به‌عنوان مرکز تجارت و دانش اشتهار داشتند. قسطنطین کبیر هزاران کارشناس و هنرمند را به کار گرفت تا برای شهر قسطنطنیه یا استانبول امروزی، دیوار و حصار، ابنیه اداری، کاخ‌ها و خانه‌ها، میدان‌ها و رواق‌ها بسازند (دورانت، ۱۳۷۸: ۹). جمعیت شهر در سال ۵۰۰ میلادی یعنی ۱۷۰ سال پس از پایتخت شدنش به یک میلیون نفر رسید. به‌طور کلی تمدن

بیزانسی که به مدت یک هزار سال در استانبول امروزی برقرار بود به تعبیر ویل دورانت (همان، ۵۶۹) سه کارکرد یا وظیفه اصلی را انجام داد که عبارت بودند از: اول آن که تمدن بیزانسی به مدت یک هزار سال به‌عنوان سدی محکم در مقابل هجوم‌های ایران و اسلام شرقی علیه قاره اروپا عمل کرد و دروازه دفاع از مسیحیت مستقر در اروپا بود. دوم آن که تمدن بیزانسی، معارف یونانی در قالب ادبیات، علوم و فلسفه را پاس داشت و به نسل آینده منتقل نمود. استادان یونانی از مسلمانان و صلیبی‌ها فاصله گرفته و خود را به ایتالیا رساندند و بدین ترتیب بین ایتالیا و افکار یونان کلاسیک پیوندی برقرار شد که بعدها به رنسانس انجامید. سوم آن که بیزانس سبب شد تا بلغارها و اسلاوها از آیین توحش به کیش مسیحیت بگردند. با این عمل، نیروی عظیمی از جسم و روح اسلاوی وارد کالبد اروپاییان گردید.

۲-۲-۳. فتح قسطنطنیه به دست ترکان: اسلامبول به جای قسطنطنیه

شهر قسطنطنیه به خاطر ثروت، اهمیت استراتژیک، بناهای فرهنگی و آموزشی، جذابیت تجاری و بناهای مجلل خود طمع بسیاری را برانگیخته بود. اسلاوها، آوارها و ایرانیان (در دوره خسرو پرویز)، خلیفه دوم و سوم و معاویه همگی سودای تصرف قسطنطنیه را در سر داشتند. اما سپاهیان بیزانسی از نظم و فن‌آوری مناسبی برای عقیم ساختن مهاجمان برخوردار بودند. به سال ۱۲۰۴ میلادی بود که صلیبی‌ها در دور چهارم جنگ‌های خود، شهر را تصرف و بیزانسی‌ها را متوازی کردند. خطر جدیدتر دیگر، ترکمن‌ها بودند که با نیرو و روحیه‌ای فوق‌العاده، موفق شدند در مدت کوتاهی، بخش اعظم آناتولی را از قلمرو بیزانس جدا کنند. در اوان قرن ۱۵ که دوران رهایی اروپا از دستگاه کلیسای فرامی‌رسید ترکان عثمانی به رهبری بایزید اول و مراد دوم تلاش‌هایی را برای الحاق قسطنطنیه به متصرفات خود صورت دادند تا اینکه در ۲۹ مه ۱۴۵۳ سلطان محمد دوم معروف به سلطان محمد فاتح برای سد کردن هجوم دول اروپایی و نیز یکپارچه‌سازی امپراطوری

عثمانی، بدین جمع‌بندی رسید که تصرف قسطنطنیه ضروری است. سلطان محمد فاتح برای نیل به این اهداف راهبردی، نیازمند انسجام داخلی و اطمینان خاطر به همسایگان عثمانی بود. در آن هنگام قدرت‌هایی چون صربستان، والاکیا (رومانی امروزی) و نیز ترکمن‌ها، مخاطرات بالقوه‌ای بودند که به تدبیر سلطان محمد فاتح، هر کدام پیمان صلح جداگانه‌ای با امپراطوری عثمانی منعقد ساختند و تمام قوای امپراطوری بر الحاق قسطنطنیه متمرکز گشت. سلطان محمد فاتح برای مقابله با ضد حمله سپاه امپراطور بیزانس، قلعه‌ای نظامی در شمال شهر و در ساحل اروپایی قسطنطنیه تأسیس کرد. این قلعه بعد از قریب ۵۰۰ سال هنوز هم باقی است و سالیانه صدها هزار نفر از این اثر تاریخی دیدن می‌کنند. قلعه مزبور در ساحل غربی تنگه بسفر بنا شده و کاملاً مشرف بر آبراه بسفر و نیز صفحات غربی استانبول کنونی است. با استقرار نیروهای امپراطوری عثمانی در این قلعه، ارتباط نیروهای بیزانسی با دریای سیاه کاملاً قطع شد و نیروهای عثمانی با سهولت و امنیت بیشتری از آناتولی (نواحی شرقی استانبول کنونی) به سرزمین‌های اروپایی فراهم گردید. در بهار سال ۱۴۵۳ سربازان پر تعداد و مصمم عثمانی، شهر قسطنطنیه را به تصرف خود درآوردند و شهر به مدت ۴۵ روز در محاصره لشکر ترک‌ها قرار داشت. در این مدت سلطان عثمانی، مطابق آموزه‌های اسلامی، به کنستانتین یازدهم اخطار کرد که برای جلوگیری از خون‌ریزی و کشتار بی‌گناهان، نیروهایش را از این شهر عقب بکشد. انگیزه اصلی سلطان محمد فاتح از این دیپلماسی آن بود که شهر تاریخی قسطنطنیه با تمام میراث یک هزار ساله‌اش به طور سالم به تصرف ترکان مسلمان درآید. اما امپراطوری بیزانس از قبول دعوت سلطان محمد فاتح اجتناب کرد تا این که در بعد از ظهر ۲۹ مه ۱۴۵۳، شهر پس از نبردی سخت به تصرف مسلمانان درآمد و سلطان محمد فاتح موفق شد این شهر حیاتی را به نام خود ثبت کند. پیش از سال ۱۴۵۳ میلادی، شهر قسطنطنیه، ۲۹ مرتبه محاصره شده بود؛ سرداران و امرای خلفای عرب، هفت مرتبه این

شهر را محاصره و در نهایت عقب نشسته بودند. سلاطین گوناگون عثمانی هم چهار بار به تصرف قسطنطنیه مبادرت کرده بودند لکن به واسطه ضعف کلی امپراطوری بیزانس، و نیز در پی بسیج و سازماندهی گسترده سپاه عثمانی، شهر عظیم قسطنطنیه به تمام ابنیه و تأسیساتش به امپراطوری عثمانی ملحق گردید نام شهر از قسطنطنیه به اسلامبول (مرکز شهر) تغییر یافت. هر چند اسم شهر در همان اوان تغییر یافت، اما کاربرد قسطنطنیه برای آن شهر تا سال ۱۹۳۰ ادامه داشت. در سال ۱۹۳۰ جمهوری ترکیه رسماً شهر مزبور را استانبول نامید و تمام نظامات اداری جهان موظف شدند از واژه استانبول استفاده کنند (لوئیس، ۱۳۶۵). سپاه سلطان محمد فاتح پس از تصرف قسطنطنیه، اعتماد به نفس شایانی کسب نمود. به گفته احمد داوود اغلو (۱۳۹۱: ۱۶۹) دولت عثمانی با تصرف قسطنطنیه و کنترل تنگه بسفر بیزانس را از امپراطوری به یک دولت - ملت تبدیل کرد و عثمانی را از قدرت اوراسیایی به آفروراسیایی بدل نمود. سلطان محمد فاتح و سرداران نظامی و مشاوران عقیدتی‌اش بر آن بودند که این پیروزی هدیه‌ای الهی به مسلمانان در برابر صلیبی‌هاست. از این‌رو دستگاه‌های امپراطوری عثمانی از فردای تصرف شهر کوشیدند تا هویت اسلامی شهر را برجسته و گسترده سازند. مساجد پرشماری در کوچه‌ها و خیابان‌های شهر بنا گردید، کلیسای معروف ایاصوفیا از جمله بناهای مهمی بود که به دستور سلطان محمد فاتح به سیاق معماری اسلامی بازآرایی شد. طی این اصلاحات بسیاری از نقش‌های برجسته و مجسمه‌ها با آیات قرآنی جایگزین شدند. هم‌اکنون این کلیسا، اصلی‌ترین اثر معماری دیدنی در استانبول است و جهانگردانی از دهها کشور دنیا روزانه از این کلیسا - مسجد دیدن می‌کنند. در راستای اسلامی کردن ایاصوفیا، اسامی پیامبر اسلام، خلفای راشدین (ابوبکر، عمر، عثمان و علی) به همراه اسم امام حسین(ع) و امام حسن(ع) و فاطمه(ع) در تابلوهای مدور بزرگی روی دیوار نصب شده‌اند. همان‌گونه که گفته شد مساجد زیادی نیز در نقاط مختلف شهر ساخته شد. هم‌اکنون شهر استانبول